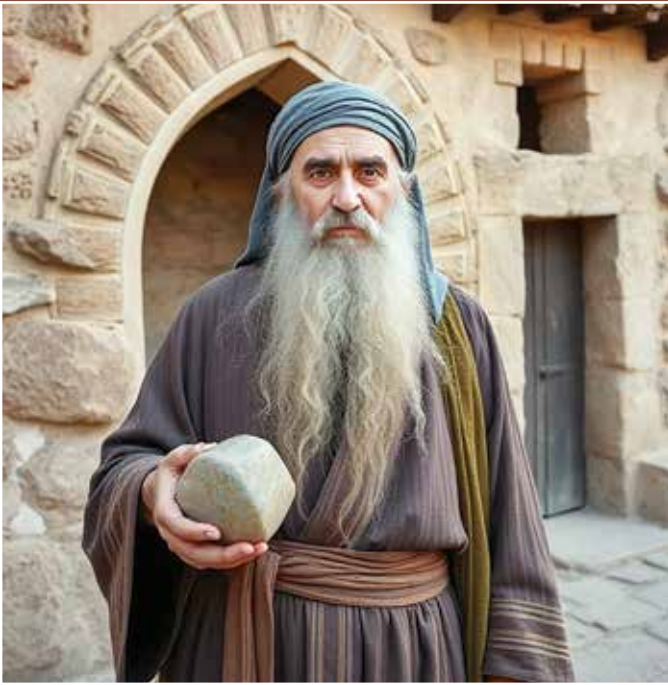


سید سپهر جمعه‌زاده

# حکیم و درگرا نبها



و فایده آن چیست. حال خود دانی! طلبه جوان بعد از شنیدن این سخنرانی غرای حکیم، از این که می‌خواست از طلب علم دست بکشد، پشیمان شد و به آموزش علم ادامه داد اما حس کرد باید در کنارش به شغل سنگ‌شناسی هم روی آورد!

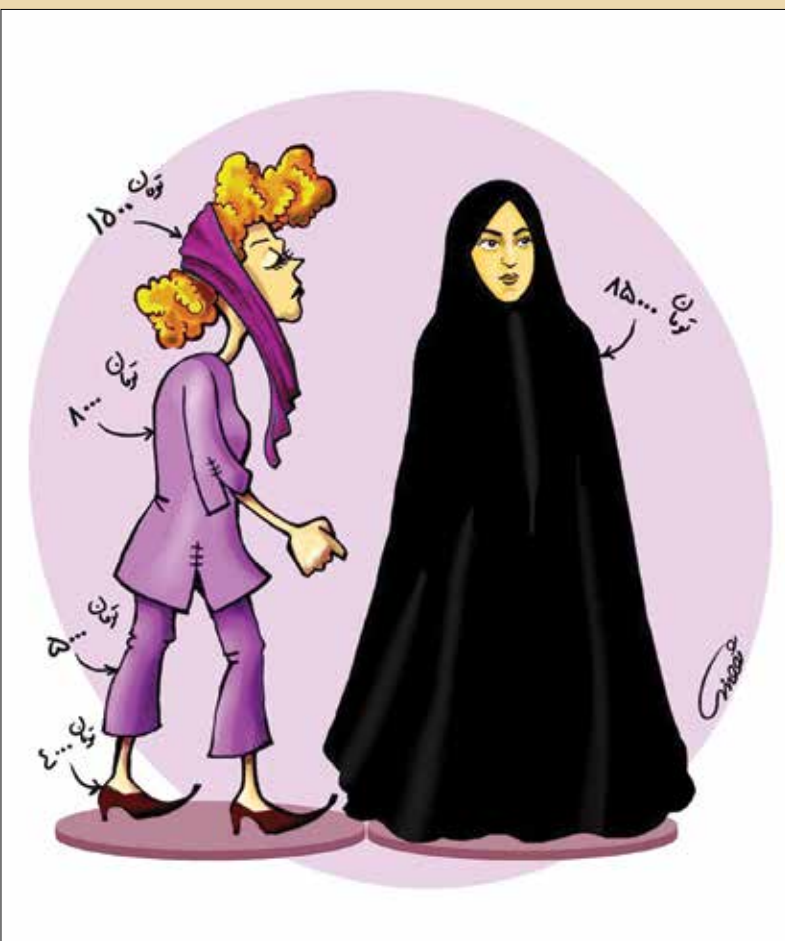
این بود حکایتی دیگر از جناب حکیم که بعد از وقفه‌ای کوتاه دوباره به این صفحه باز گشته است. امیدوارم بیشتر و بیشتر بازگردد.

زرگرها را بخری! ولی به تو با آن حتی نان و علوفه هم ندادند. همان طور که دیدی، قدر زر را زرگر می‌شناسد و قدر گوهر را گوهری می‌داند. نانوا و قصاب، تفاوت بین سنگ و گوهر را تشخیص نمی‌دهند و همگان ارزش آن را نمی‌دانند. وضع ما هم همین طور است. ارزش علم و عالم را انسان‌های عاقل و فرزانه می‌دانند و هر بقال و عطاری نمی‌داند ارزش طلب علم و گوهر دانش چقدر است

سؤال شما را پرسید. یعنی در ذهنش گفت چطور می‌شود با سنگی که جایش علوفه و نان ندادند، طلا بدهند؟ اما چون در این حکایت استخدام شده بود لذا مجبور بود و رفت تا بازار زرگران را هم امتحان کند. القصة رفت و رسید و تحویل زرگر داد سنگ را. در این پرده از داستان مرد جوان متوجه شد که ارزش سنگ به مثابه یک پودر مویر پشم و کرک از تن زرگر نکاند! زرگر هم بلند شد و کرکره را کشید و زنگ زد ۱۱۰! البته چون ۱۱۰ هنوز در دوره شاه عباس اختراع نشده بود، پس فرستاد تا قشون شاهی را خبر کنند. جوان هم که متوجه شده بود وارد چه بازی خطرناکی شده ابتدا برای فرار از قشون شاهی درخواست هلیکوپتر کرد. اما چون کسی را نتوانست گروگان بگیرد حرفش را گوش ندادند و همراه زرگر آوردندش پیش حکیم. البته این مسأله که هنوز هلیکوپتر علاوه بر ۱۱۰ آن زمان اختراع نشده بود هم بی تاثیر نیست! وقتی همه پیش حکیم رسیدند، حکیم به زرگر فهماند سنگ مال خودش بوده و دستور داد جوان را رها کنند و بعد روبه جوان کرد و گفت: این سنگ گوهر شب چراغ است. با این می‌توانی نصف بازار

اینگونه شد که مرد جوان نزد حکیم برداشت درحالی که همچنان سنگ دستش بود به حکیم اعتراض کرد که: مرا مسخره کرده‌ای؟ نانوا نان را نداد هیچ، جلوی مردم مرا مسخره کرد و به ریش من هم خندید. جناب حکیم که انگار سرنوشت جوان را قبل از رفتن به نانواپی حدس می‌زد، برای این که چوب نصیحتش بیشتر در جان جوان بنشیند او را راهی بازار علوفه کرد تا با آن سنگ کمی تغذیه بخرد برای چهارپایان! مرد جوان که البته می‌دانست ممکن است باز ایستگاهش توسط حکیم گرفته شود اما باز به بازار رفت و نتیجه‌اش آن شد که احتمالا شما هم می‌توانید حدس بزنید. جوان که این بار کفرش درآمده بود و کم مانده بود علاوه بر درس از کوره هم در برود، به حکیم بازگشت. در چنین وضعیتی حکیم مجدد به او پیشنهادی داد تا بیشتر جوان حس کند وسط یک کمدی موقعیت گیر افتاده است! استاد از جوان خواست سنگ را ببرد بازار زرگران و در ازایش کمی سکه طلا بگیرد! اتفاقا آن جوان در این موقعیت همین

دیگر خسته شده‌ام جناب شیخ. از این درس خواندن که آب و نان در نمی‌آید. بلکه بدتر آب و نان آدم کشیده می‌شود! بهتر است سراغ کسب و کاری بروم. صندوق طلائی، بازار ارز شاهی، خرید و فروش قاطری چیزی! ته درس خواندن چیست؟ جز حسرت و بی‌پولی؟! این جملات را که حکیم، عالم معروف زمان شاه عباس صفوی در اصفهان، شنید بدون تعلل سنگی از طاقچه منزلش برداشت و به جوان داد و از او خواست برود به نانواپی و نانی بخرد. جوان که البته از حرکت رونالدینیوی حکیم تعجب کرده بود سنگ را برداشت و به نانواپی برد. البته می‌دانست با این سنگ فقط از یک راه می‌شد نان تهیه کرد. و آن این که سنگ را به کله شاطر بکوبد و نان را بزد اما خب چون دستور حکیم بود رفت تا ببیند می‌شود سنگ را با نان معاوضه کند یا نه. القصة او به نانواپی رسید و اتفاقا همان هم شد. نانوا وقتی دید جوانی با سنگی در دست آمده تا نان بخرد فقط احتمال داد که جوان روی فاز گل‌های اطراف ارگ شاهی باشد! بنابراین حتی نانش را هم به او نداد.



## تازه این قیمت قبله:

این روزها اگر بغوای حجاب برتر رو هم انتخاب کنی باید کلی پیاده شی!

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶ آریان به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۷ به شماره موتور 13887001835 و شماره شاسی NAAP61ME88J401688 به شماره پلاک ایران ۵۵ - ۲۳۹ ق ۶۶ به مالکیت طاهر مهری مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند کمپانی سواری هاج بک پژو 207I-TUS مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید روغنی شماره موتور 16780161098 و شماره شاسی NAAR03FE9N1276988 به شماره پلاک ۸۲۵ ه ۷۵ - ایران ۴۶ به نام علی دیجودی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

پروانه طبابت اینجناب دکتر صالحه روحانی دوگانه به شماره ۹۵ - ۱۳۴۴۰۹ - ۳۵۲ و شماره نظام پزشکی ۱۳۴۴۰۹ به تاریخ صدور ۱۳۹۷/۰۶/۱۲ و تاریخ اعتبار ۱۴۰۰/۱۲/۱۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کارخانه، شناسنامه خودرو، کارت خودرو، کارت سوخت، بیمه‌نامه و تسلسل اسناد دفتر اسناد رسمی خودرو کوئیک مدل ۱۴۰۲ به رنگ سفید مشکی شماره انتظامی ایران ۱۳ - ۸۷۳ ج ۳۶ شماره موتور M155052538 شماره شاسی NAPX212AAP1210665 به مالکیت مجید راه‌جو مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کارت خودرو سواری سایپا ARTO AT مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۱۲ - ۸۶۲ س ۳۴ شماره موتور TNN4G16AG0051806 به مالکیت سعیده شیردیز مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز (سند خودرو) سواری رنو ال اس ۱۵۰۰ به رنگ نوک مدادی متالیک مدل ۱۳۸۸ و شماره موتور 1071761 و شماره شاسی NAS61002291173155 به شماره پلاک ایران ۵۵ - ۹۹۴ م ۸۵ به مالکیت غلامعلی یاجم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، سند کارت (کلیه مدارک) خودرو سواری ام وی ام به رنگ سفید مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ۴۵۸ ج ۷۵ ایران ۷۵ به شماره موتور MVM472FGE037521 و شماره شاسی NATEBAFB6E1015951 به نام فرامرز عباسی خور با کد ملی ۳۱۱۰۷۶۹۲۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سایپا 131SE مدل ۹۴ به شماره موتور 5350147 شماره شاسی NAS411100F3412489 شماره انتظامی ۹۱ - ۶۸۵ ج ۴۵ به نام فرامرز عباسی خور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل صورتجلسه انتخاب واحد مسکن مهر به شماره ۲۵۹۶۷/۹۲/۱۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۱۶ متعلق به آقای جاسم سیفی بخش مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سازمان آگهی‌های رویتامه **حاج**  
۰۵۹۱۰۵۰۰  
daneshpayam.agahi@gmail.com